



کتاب الفقه



سلام



لوازمِ «ظهورِ» آخرین حجّت:

جلسه پنجم - ۳ خرداد ماه ۱۴۰۰

« خلاصه » چهار جلسه قبل:

امروز « **ما** » قطعاً در « **آخر الزمان** » هستیم.

و « **۱۴۴۲** سال » از « **آخرین پیامبر** » الهی،

و « **۱۱۸۲** سال » از « **آخرین امام** » گذشته،

و ما هنوز در « **غیبت** » قرار داریم.

و از برکاتِ « **ظهور** » ایشان، « **محروم** » مانده‌ایم.

« هیچ » قومی از « وضعِ موجودِ » خود،

« راضی » نیست،

و امروز تقریباً غالب مردم تمام کشورها،

به اینهمه « ظُلم و بی عدالتی، معترض » اند.

در حالیکه « **مقصد** » نهائی کاروان بشر،

« **باید** تحقق خواسته فطری انسان »

و حاکمیتِ « **دین** و **عدالت** و **امنیت** »

در « تمام جهان » باشد.

زیرا « خاتم الأنبياء » صلى الله عليه و آله فرمودند:

يَمَلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ

« قِسْطًا وَعَدْلًا »

كَمَا (بَعْدَ مَا) مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا

(كمال الدين و تمام النعمه، شيخ صدوق، ج ۲، ص ۳۷۷)

و « وعدة قطعی الہی » اینست:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ،

۱- لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

۲- وَ لَيُمْكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ

۳- وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا... (نور/۵۵)

خدا به اهل ایمان که رفتار شایسته دارند وعده داده که حتما آنها را در زمین « حاکم » کند مثل آنها که قبل از آنها^{۱۱} حاکم بودند و دینی را که برایشان پسندیده مستقر کند و ترسشان را به امنیت تبدیل کند

و تحقق این « وعده و غلبه حق و إقامة عدالتِ » جهانی،
آنقدر قطعی است که اگر فقط « یک روز » از عمر دنیا باقی باشد
خداوند آنرا آنقدر طولانی می کند تا « لوازم ظهور » (?) مهیا شود:

فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ **خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ** (۴)
إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً (۶) **وَنَرَاهُ قَرِيباً** (معارج/۷)

در روزی که مقدارش ¹² ۵۰ هزار سال است * آنها آن را دور می بینند * و ما نزدیکش می بینیم.

« رفع » این « غیبت » و « محرومیت »،

و « مقابله » با این همه « ظلم و جور »،

و فراهم کردن « لوازم ظهور بقیه الله »،

برای تحقق « قسط و عدالت و امنیت » جهانی،

به « عهده » کیست؟

متأسفانه غالبِ افرادِ تشنهٔ « **عدالت** و **امنیت**ِ جهانی »،

اولاً: « دین » را از « سیاست »، « **جدا** » می‌پندارند،

ثانیاً: « تحوّل »ِ جهانی را به عهدهٔ « **خدا** و **امام** » می‌دانند،

و « انجامِ وظایفِ شرعی فردی » را برای خود کافی می‌پندارند.

ثالثاً: برخی انتشارِ « **ظلم** و **جور** و **فساد** » را لازم هم می‌دانند،

اما ¹⁴مقابله با این همه « **جنایاتِ مستکبرین** » را لازم نمی‌دانند.

« تغییر وضع موجود »

به عهده کیست؟

قرآن، خودِ « مردم » را مأمور « تحوّل » جامعه می‌داند:

... وَ لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَغْضَهُمْ بِبَغْضٍ

لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَ بِيَعُ وَ صَلَوَاتُ وَ مَسَاجِدُ
يُذَكِّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا

وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ (حج/۴۰)

و اگر خداوند بعضی از مردم را با بعض دیگر دفع نمی‌کرد صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود، ویران می‌شدند و قطعاً خداوند « فقط » به آنکه او را حمایت می‌کند یاری می‌دهد، زیرا خداوند، نیرومندی شکست‌ناپذیر است.

لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِّنْ أَمْرِ اللَّهِ

إِنَّا اللَّهُ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ

حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ

وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ مِّنْ وَالٍ (رعد/ ۱۱)

او، مأمورانی دارد که (هر فردی) را به فرمان خدا از پیش رو و از پشت سرش نگهبانی می‌کنند،

البته خداوند (شرائط) هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد تا «خودشان» خود را تغییر دهند

و اگر خداوند برای قومی بدی بخواهد هیچ برگشتی برایش نیست و غیر از او (هم) حمایتگری برایشان نیست.

حضرت امام صادق صلوات الله عليه هم می فرمایند:

أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ

إِلَّا بِالسَّبَبِ ... (کافی، ج ۱، ص ۱۸۳، ح ۷).

خداوند إبا دارد از اینکه کارها را با غیر از لوازم آن جاری کند.

(زیرا اگر «موانع با اعجاز» برداشته شوند «تحوّل مردم» رخ نمی دهد.)

« پیامی » مهم برای « منتظرین » ظهور:

حضرتِ موسیٰ علیه السلام می‌خواست با:

حضرتِ خضر صلوات الله علیه «**همسفر**» شود.

اما وقوعِ «**سه** **حادثه**»،

ایشان را از این تقاضا، «**محروم**» کرد.

حضرت خضر صلوات الله علیه قبل از جدا شدن فرمودند:

.... **وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي**

ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا (كهف/۸۲)

و این (کارها) را من با نظر خودم نکردم

این بود تاویل آنچه نتوانستی بر آن صبر کنی.

«نتیجہ» این داستان؟

۱- « **منتظرین** » **ظهورِ** حکومت جهانی،

باید بدانند که:

« **ولیِ خدا** »، فقط « **مجبری** **أمر** » اوست

و کاری بدلخواه خود یا مردم انجام نمی‌دهد.

۲- همراهی با حضرتِ «**خضر**»،

حتی برای حضرتِ «**موسی**»، **سخت**» بود،

پس برایِ «**ظهور**» نهایی و جهانی،

منتظرین باید خیلی «**آماده**» باشند.

«تکالیفِ» منتظرینِ ظهور چیست؟

« تَكْلِيفِ » اول:

اولین « **تکلیف** منتظرینِ واقعی »،

فراهم آوردنِ « **شرائط** » تحققِ

« **مقصد** » تمامِ رسولانِ الهی است:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا **رُسُلَنَا** بِالْبَيِّنَاتِ

وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ

لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید/۲۵)

پس^{۲۸} مردم بدون إقامة « قسط » به « عدالت » نمی‌رسند.

و إقامة « **قسط** » (متضادِ ظلم) یعنی:

منتظرینِ ظهورِ بپذیرند و بخواهند مطابق با:

« **ما أَنْزَلَ اللَّهُ** » و « **حُدُود** و احکام و **حقوقِ الهی** »

که برای « تمام افراد بشر »، « **برابر** و یکسان » است،

« **زندگی** » کند و از آنها، « **تجاوز** » نکنند.

پس « **منتظرینِ ظهور** و عدالت خواهان واقعی »

باید قبل از همه، بکوشند « خودشان »،

ابتدا « **ما أَنْزَلَ اللَّهُ** »،

و « **حُدُود و حقوقِ الهی** » را « بشناسند »

و « ³⁰قانونمند » شوند و دنبالِ « امتیازخواهی » نباشند.

« تګلیفِ » دوم:

قرآن می فرماید:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ

أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (أنبياء/ ۱۰۵)

در « زبور » حکم قطعی کردیم که بعد از « ذکر » (تورات یا قرآن)،

(باید تمام) زمین را « بندگان شایسته من » به ارث ببرند.

پرسش ۱:



« شایستگان » چگونه وارث زمین می‌شوند؟

نظر شما؟



طی « چهار سال » گذشته،

« چند صد نفر »!!!،

از اعضاء « شورای شهر » مراکز استانها،

برای تخلّفات مالی « محکوم » شده‌اند. چرا؟

تا زمانی که مردم (به ظاهر) «مسلمان»؟؟؟

«حامی» افراد «نا اهلِ زرنگ و باندباز» باشند،

آیا ممکن است «أمیر المؤمنین» صلوات الله علیه،

و امام «حسن مجتبی» و «سیدالشهداء» صلوات الله علیهما،

«وارثِ زمین» یا حتی «حاکمِ کوفه» شوند؟ ³⁷

پس منتظرین واقعی « **باید** »:

« **صالحین** » را در هر زمینه‌ای « **بشناسند** »،

و با « **انتخاب** » آنها برای مسئولتهای مختلف،

زمینه « **وارث** » شدن آنها را فراهم کنند.

ابتدا فکر میکردم که مملکت
وزیر دانا میخواهد بعد فکر کردم
شاید شاه دانا میخواهد
اما اکنون میفهمم
ملت دانا میخواهد



امیر کبیر هنگام تبعید

آقا می فرمایند:

در شرایط کنونی
ابتکار عمل را در دست بگیرید

پرسش ۲:



« مقصد نہائی رسول الہی » چیست؟

نظر شما؟



هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ

وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (صف/٩) (توبه/٣٣)

اوست که سفیرش را با هدایت و آیین درست مأمور کرد

تا آن را بر تمام دین ظاهر گرداند هر چند مشرکان إکراه داشته باشند.

پس « تمامِ دین و تمامِ حق^س »،

باید در تمامِ جوامعِ بشری « ظهور^س » پیدا کند،

تا زمینه « هدایت^س » تمام مردم فراهم شود.

البته « مشرکین^س » این « تحوّل^س » را نمی‌خواهند.

« ظہور » یعنی چہ؟

« **ظهور** » به معنی:

« دیده شدنِ آخرینِ امام » نیست،

زیرا سایرِ « ائمه اطهار » صلوات الله علیهم،

« ظاهر » بودند و « دیده » می شدند، اما؟

بلکه منظور از «**ظهور**»:

«**آشکار** شدنِ **حق**» در تمام زمینه‌ها،

و «**حاکمیتِ حق**» بر جهان است.

(که «رؤیت و اُمنیتِ امام»، یکی از جلوه‌های آنست.)

پریشانی ۳:



محَلِ «ظهورِ» حِجَّتِ اِلهی کجاست؟

نظر شما؟



« **ظهور** » حجتِ الهی،

ابتدا باید در « **درون** » هر فرد رخ دهد.

زیرا « **ظهور** » برای « **افراد غیر عاقل** »،

« هیچ ارزش و فایده‌ای » ندارد.

« تڪليفِ » سوم:

« منتظرینِ ظهورِ حقّ » در جهان،

ابتدا باید « عقل » را به نام « حجتّ سالمِ الهی » بپذیرند،

و آن را بر « نفسِ » خودشان « حاکم » کنند،

تا با « احکامِ بدیهِی » آن

در « سرابِ فریبندۀ محسوسات »،

« پینا^{۵۴} » و « محکم » شوند و در زندگی، « قیام » پیدا کنند.

منظور از « **عقلانیت** »،

« **عقلِ ابزاری** » و « **عقلِ حسابگر** » نیست،

بلکه **عقلی** است که « **حجّتِ ظاهری** » را بیابد

و انسان را در تمام ابعاد زندگی،

به « **بندگی** » و « **فضائلِ اخلاقی** » برساند.

چهار « أصل » مهم:

اصل اول:

« هر انسانی »،

از نعمتِ « عقل » برخوردار است.

یعنی: «**تمام افراد بشر**»،

در داشتن «**عقل**»، مشترکند

اما در «**تعقل**» مشترک نیستند.

رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ می فرمایند:

ما قسم الله للعباد شيئاً

أفضل من العقل.

خداوند متعال نیز در حدیث قدسی می‌فرماید:

أُثِيبُ بِالْعَقُولِ

أُعَاقِبُ بِالْعَقُولِ

در « قداستِ عقل » همین بس که

قرآن، ریشه‌ی

تمامِ « پلیدیها و رذالتها » را

« رجوع نکردن به عقل » می‌داند:

... وَ يَجْعَلُ^٤ الرِّجْسَ^٣

عَلَى الَّذِينَ^{١٣}

لَا يَعْقِلُونَ^٩ (يونس / ١٠٠)

و قرآن « **شروعترین** **جنبده** » را

از منظر خداوند،

فردِ « **گر** » و « **لالی** » می‌داند

که به « **عقل** »، « **رجوع** » نمی‌کند:

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ

الصَّمُ الْبُكْمُ

الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ (انفال/ ٢٢)

پس ابتدا باید « **حجّتِ باطنی** »،

در « **درون** » اوّلین حامیانِ « **ظهور** »

« **طلوعِ عملی** » پیدا کند،

تا « **ظهورِ آخرین امام** » رُخ دهد.

اللَّهُمَّ؛ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ
تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ
وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاءِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْفَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ
وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةً الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

خدایا به سوی تو مشتاقیم با دولت کریمه‌ای که اسلام و اهلش را با آن عزیز گردانی،
و نفاق و اهلش را با آن خوار سازی، و ما را در آن از « دعوت‌کنندگان » به سوی طاعت،
و « رهبران به راهت » قرار دهی و کرامت دنیا و آخرت را به برکت آن، روزیمان فرمایی.

خدایا :

یاریمان کن تا به اوج « **عقلانیّت** » برسیم،

و از « **منتظرینِ بینا** و **مقاوم** و **مشتاقِ ظهور** »

و تهیّهٔ مقدماتِ ظهور، سهیم و در رکابش باشیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُوْلِكَ

